

Pazhuheshnameh Matin
Journal of The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution
Volume 25, Issue 99, Summer 2023

**Layered Analysis of Nature of Iran's Foreign Policy Challenges
in the Middle East New Order (2010–2020)**

Mohammad Mahmoodikia¹

DOI:10.22034/MATIN.2023.370864.2112

DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.99.4.8


Abstract

Research Paper

The political and social developments in the past decades in the Middle East developments have created considerable challenges for Iran's foreign policy developments have created considerable challenges for Iran's foreign policy. This paper intends to find an appropriate answer to the following main question: "What has been the nature of Iran's foreign policy challenges during the past decade due to the emergence of a new order in the Middle East?" This study's approach is based on the tradition of critical-intellectual causal layered analysis (CLA) of Sohail Inayatullah and its methodology is synthetic, i.e. we have used meta-analysis method (content analysis) and deductive approach for clarification of causes of challenges in various layers. The findings of this research indicate that in the Middle East new order, the challenges in Iran's foreign policy are of multi-construct and multilayer nature and each layer consists a wide spectrum of key factors and components. As such, in the topmost layer, change in patterns of cooperation and regional conflict, security issues, conflict of interest between major players, particularly the United States and Iran plus a bunch of other issues have their roots in the country's internal system's layer that plays a key role in formation of the said challenges. At the discursive level, the conflict between combatant political Islam discourse and normalization discourse, and, at mythical level such components as international peace, chaos creation, and technological threat play a crucial role in creation of challenges. Such multilayered insight into the political phenomenon can prepare the grounds for creation of a strategic and systematic thought in the country's foreign policy acts.

Keywords: Iran, political new order, Middle East, causal layered analysis (CLA), foreign policy

1. Assistant Professor ,Department of Political Thought in Islam ,Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution ,Tehran ,Iran .Email :mahmoodikia@ri-khomeini.ac.ir

 0000-0002-9679-9405

تحلیل لایه‌ای ماهیت چالش‌های سیاست خارجی ایران در نظم نوین سیاسی خاورمیانه (۲۰۱۰-۲۰۲۲)

محمد محمودی کیا

DOI:10.22034/MATIN.2023.370864.2112

DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.99.4.8

مقاله پژوهشی

چکیده: تحولات سیاسی - اجتماعی طی دهه‌های اخیر در منطقه خاورمیانه، چالش‌های قابل توجهی را برای کنش سیاست خارجی ایران فراهم آورده است. از این رو، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چالش‌های سیاست خارجی ایران در طول یک دهه اخیر، به واسطه شکل‌گیری نظم نوین سیاسی در خاورمیانه، از چه ماهیتی برخوردار است؟ رویکرد این پژوهش، سنت تفکری انتقادی تحلیل لایه‌ای علت‌های سهیل عنایت‌الله بوده و روش پژوهش نیز روشی ترکیبی است به این معنا که از روش فرا تحلیل (تحلیل مضمون) و روش استنتاجی برای تبیین علل چالش در لایه‌های مختلف تحلیل استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در نظم نوین معاصر در خاورمیانه، چالش‌های فراروی سیاست خارجی از ماهیتی چند ساختی و چندلایه‌ای برخوردار است که در هر یک از لایه‌ها، طیف متنوعی از عوامل و مؤلفه‌ها نقش آفرین هستند چنانچه در سطح علی، تغییر در الگوهای همکاری و تعارض منطقه‌ای، مسائل امنیتی، تعارض منافع بازیگران سطح نظام و به‌طور مشخص آمریکا با منافع ملی ایران و نیز برخی موضوعات ریشه در سطح نظام داخلی کشور در شکل یافتن وضعیت چالش نقش آفرین هستند و یا این که در سطح گفتمانی تقابل گفتمان اسلام سیاسی مبارز با گفتمان عادی‌سازی و در سطح اسطوره‌گرایی مؤلفه‌هایی چون صلح بین‌المللی، ورودی آشوب‌ساز و تهدید فناورانه در ساخت وضعیت چالش، نقش آفرین هستند. این بینش چندسطحی به پدیده‌های سیاسی می‌تواند زمینه ساخت یک تفکر راهبردی و منظومه‌ای در کنش سیاست خارجی کشور را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: ایران، نظم نوین سیاسی، خاورمیانه، روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، سیاست خارجی.

۱. استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.
Email: mahmoodikia@ri-khomeini.ac.ir

 0000-0002-9679-9405

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۹

پژوهشنامه ماتین / سال بیست و پنجم / شماره نود و نه / تابستان ۱۴۰۲ / صص ۱۰۴-۷۵

۱. بیان مسئله

در میان مناطق مختلف جهان، خاورمیانه جزو معدود مناطق ژئوپلیتیکی است که نظام منافع دولت ملی بر آن استوار نیست و درگیر در نزاع‌های طولانی مدت است. به طوری که فضای منبعث از رقابت‌های نظامی و امنیتی بر فضای همکاری غلبه داشته و فرآیند همگرایی در آن همواره غایب بوده است. روند پژوهی این تحولات حکایت از آن دارد که این وضعیت رقابت و کنش نیروهای عطف به واگرایی در این منطقه همچنان تداوم خواهد داشت. این در حالی است که علی‌رغم شکل‌گیری فضای امنیتی ناشی از وجود نیروی واگرایی، برخی از کنشگران این منطقه همچون کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل توانسته‌اند به رشد اقتصادی قابل توجهی در شاخص‌های توسعه اقتصادی دست یابند؛ لذا به نظر می‌رسد شاهد نوعی دگرگونی در ماهیت نظم سیاسی حاکم در این منطقه راهبردی از جهان و شکل‌گیری روابط جدیدی از تعاملات میان بازیگران آن هستیم که این امر می‌تواند چهره جدیدی را برای این منطقه پدید آورد. در وضعیت فعلی این قطب‌بندی‌های سیاسی - امنیتی و نیز ظرفیت‌های اقتصادی آن می‌تواند به‌عنوان یک فرصت قابل توجه برای ایالات متحده آمریکا محسوب شود تا از رهگذر آن، شاهد ارجحیت راهبردهایی چون مدیریت بحران‌ها، قراردادهای فروش تجهیزات نظامی و بهره‌برداری انرژی بر استراتژی حل و فصل معضلات خاورمیانه به وسیله این کشور باشیم (سریع‌القلم، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۷).

با این وصف، وضعیت خاورمیانه در دوره جدید، در عناصر قاعده‌سازی و نظم و نیز تغییر در توازن قدرت میان بازیگران عمده آن، بر نوعی صورت‌بندی باز دلالت دارد. از سوی دیگر، درک ژئوپلیتیک علاوه بر ارائه تحلیل فوق، بر این باور است که منطقه خاورمیانه در زمانه اکنون، محاط در چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای است که مسئله محوری آن مسئله امنیت است. این مسئله زمانی از اهمیت دوچندان برخوردار می‌شود که هم‌زمان با رقابت بازیگران عمده منطقه‌ای برای دستیابی به جایگاهی هژمون در نظم سلسله‌مراتبی در حال شکل‌گیری، مؤلفه‌های بسیاری آن‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد که در نتیجه آن می‌توان انتظار داشت بازی از حالت منازعه صرف خارج شده و به حالتی از همکاری و مشارکت در عین وجود نمودهایی از رقابت برای ساخت یک نظم منطقه‌ای جدید و با ثبات تغییر حالت یابد (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۸۷، ص. ۶۶).

این وضعیت (همکاری و منازعه) ترسیم‌کننده چهره نظم نوین در خاورمیانه جدید است. بر همین اساس، امروزه شاهد شکل‌گیری الگویی از قطب‌بندی میان کشورهای منطقه هستیم؛ قطب ایران و کشورهای حامی محور مقاومت و قطب عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس. ترکیه نیز به صورت دوسطحی در هر دو قطب مشارکت دارد؛ هرچند دیدگاه ترکیه در بحران سوریه بیشتر به دیدگاه تهران (لزوم بهره‌گیری از راه کارهای سیاسی و غیرنظامی برای برون‌رفت از بحران داخلی سوریه) متمایل است. گسترش و تعمیق روابط ایران و ترکیه در ورای بحران سوریه نیز می‌تواند به تقویت روندی همگرایی در منطقه منجر شود و تعقیب شعار «قدرتمندی منطقه، نه قدرتمندی در منطقه» می‌تواند در تغییر سیمای ژئوپلیتیک خاورمیانه منجر شود (ر.ک. به: شهازی و دیگران، ۱۳۹۸، صص. ۱۸۹-۱۶۵). علاوه بر این، تحولات اخیر و به‌ویژه از سال ۲۰۱۰ و خیزش بهار عربی (بیداری اسلامی) به پیچیدگی و پویایی بیشتر پدیده‌های سیاسی در این منطقه افزوده است؛ تغییر رژیم سیاسی در تونس، مصر، لیبی و یمن و نیز اعتراضات گسترده مردمی در عربستان سعودی و بحرین بر حساسیت ژئوپلیتیکی منطقه افزوده است. از سویی دیگر، ظهور ناکام دولت افراط‌گرای اسلامی عراق و شام در سوریه و عراق باعث به وجود آمدن موج ویرانگری از ناآرامی‌ها و گسترش خطر تروریسم در سطح منطقه شده است. تحرکات جدایی‌طلبانه اکراد در عراق نیز یکی دیگر از حساسیت‌های ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه است. خاورمیانه امروزه بیش از هر زمان دیگر درگیر مناقشات و درگیری‌های داخلی است. افزون بر این، وجود کشورهای کوچک و برخوردار از درآمدهای بالای نفتی موجب شده است تا این منطقه به بازاری فوق‌العاده برای شرکت‌های تسلیحاتی جهان تبدیل شود. رقابت تسلیحاتی بر تنگنای امنیتی افزوده و موجب آن شده است تا ماهیت رقابت‌آمیز روابط بین بازیگران این منطقه بیش از گذشته نمایان شود.

با عنایت به این که هیچ کشور یا واحد مستقل دولت - ملتی نمی‌تواند محتوا، جهت‌گیری و حتی اهداف سیاست خارجی خود را مستقل از ماتریس ژئوپلیتیک خود طراحی و هدایت کند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۶۵)، از این رو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز برای کنش مؤثر در عرصه بین‌المللی نیازمند شناخت دقیق فرصت‌ها و محدودیت‌های ناشی از ژئوپلیتیک جدید منطقه است؛ مسائلی چون خروج نظامی آمریکا از افغانستان، کاهش

تدریجی حضور نیروهای ائتلاف ضد داعش در عراق و سوریه، تلاش برای عادی‌سازی روابط کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس با اسرائیل در چارچوب پیمان صلح ابراهیم (تابستان ۲۰۲۰)، رقابت نزدیک آمریکا و روسیه برای افزایش نفوذ در منطقه از طریق تأثیرگذاری بر روند تحولات جاری (به‌ویژه در بحران سوریه)، وقوع بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای منطقه و نیز ایجاد یک ائتلاف نظامی به رهبری عربستان در تجاوز به یمن از جمله مواردی است که در تبیین چهره ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه مطرح است. با عنایت به مفروض پنداشتن نقش و اهمیت تغییر در نظم سیاسی خاورمیانه در عرصه تحولات نظام بین‌الملل، این تحقیق با رویکرد تحلیل لایه‌ای علت و نیز با کاربست روش ترکیبی تحلیل مضمون و نیز تحلیل استنتاجی، درصدد پاسخ به این پرسش است که ماهیت چالش‌های فراروی سیاست خارجی ایران ناشی از نظم نوین سیاسی در خاورمیانه چیست؟

۲. رویکرد پژوهش

این پژوهش مبتنی بر رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها است. این رویکرد، روشی تفکری است که به‌عنوان یک رویکرد ساختارشکن پسانوگرا، از محقق می‌خواهد که برای تبیین و تحلیل واقعیات موجود هر چه می‌تواند به خارج از سطح اولیه علل نظام‌مند، بیندیشد تا بتواند سناریوها و راهبردهای خلاقانه‌تر و ژرف‌تری را برای حل مسائل و چالش‌ها ارائه کند. بر این اساس، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، صورت‌بندی جدیدی از واقعیت‌ها و روندهای موجود را بر اساس سطوح مختلف آن واقعیت ارائه می‌دهد که توجه به هر سطح می‌تواند، راه‌حل‌ها و آینده جدیدی را برای محققان ارائه نماید (Inayatullah, 2004, p. 17).

بر این اساس، در این پژوهش درصدد هستیم تا با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها و با ورود به لایه‌های درونی شده و پنهان چالش‌های فراروی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - ناشی از تغییر در صورت‌بندی نظم منطقه‌ای - به شناخت دقیق‌تری از ماهیت و نیز پویایی‌های آن دست‌یابیم.

۳. روش پژوهش

با توجه به الزامات رویکرد پژوهش، روش به کار گرفته شده در لایه‌های مختلف از نوعی تنوع برخوردار است چنانچه در بخش نخست که متعلق به سطح مشاهده پذیر علت‌هاست، مطابق با دیدگاه عنایت‌الله، نیازی به تحلیل پدیده‌ها و کشف روابط علیّی میان آن‌ها نیست و صرفاً باید وضعیت پدیده گزارش شود. گزارشی که به صورت امری مشهود و ملموس برای همگان در دسترس و قابل تأیید است؛ لذا در این بخش، نویسنده صرفاً گزارشی از تحولات سیاسی اجتماعی و وضعیت نظم نوین در خاورمیانه ارائه می‌نماید که جنبه توصیفی دارد. در لایه دوم تحلیل که پردازش نظام علت‌هاست، نویسنده تلاش دارد تا با تکیه بر داده‌های پژوهش‌های مشابه، به تبیین شبکه علت‌ها اقدام نماید که بدین منظور از روش فرا تحلیل (تحلیل مضمون) بهره گرفته تا با سطح‌بندی و مقوله‌بندی یافته‌های این تحقیقات، مقولات عام این چالش‌ها را مورد شناسایی قرار دهد. با توجه به غنای ادبیات پژوهشی در خصوص چالش‌های سیاست خارجی ایران، نگارنده با جستجو از بانک‌های اطلاعاتی فارسی زبان به بیش از ۵۰ مقاله علمی در این خصوص دست‌یافت که در بررسی بعدی این مقالات، بر اساس اهداف پژوهش، کیفیت مجلات و مقالات، تعداد ۲۴ مقاله انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. در لایه سوم، لایه گفتمان که به پردازش تفاوت در نظام هنجاری و شناختی پدیده متعلق است و لایه چهارم که به نظام اسطورگی موجه وضع چالش اشاره دارد، از روش مطالعه کتابخانه‌ای بهره برده شده است.

۴. سوابق پژوهش

با عنایت به تجزیه و تحلیل پژوهش‌های موجود و نیز تمرکز بر یافته‌های اصلی آن‌ها در بخش تحلیل لایه‌ای پژوهش، در این قسمت به صورت اجمالی به معرفی منابع مورد استفاده در این پژوهش اقدام می‌شود. لازم به ذکر است برای دسترسی به اطلاعات مورد نیاز، محقق با مراجعه به پایگاه‌های نمایه‌سازی نشریات علمی، با جستجو از طریق کلیدواژه‌هایی چون سیاست خارجی، ایران و خاورمیانه و نیز با محدود کردن یافته‌ها به پژوهش‌های منتشر شده در نشریات علمی - پژوهشی و نیز محدودسازی آن به بازه زمانی دهه گذشته، به ۲۴ مقاله به شرح ذیل دست‌یافته است:

۱	(جاودانی مقدم، ۱۳۹۱)	۹	(مصلی نژاد، ۱۳۹۱)	۱۷	(اسدی، ۱۳۹۳)
۲	(موسوی شفقانی و شاپوری، ۱۳۹۰)	۱۰	(یزدان پناه و دولتی، ۱۴۰۰)	۱۸	(همتی و همکاران، ۱۳۹۹)
۳	(جمشیدی، ۱۳۹۳)	۱۱	(بازرگان و پوراحمدی، ۱۳۹۷)	۱۹	(امیدی و آقا محمدی، ۱۳۹۶)
۴	(خلیلی، ۱۳۹۶)	۱۲	(نادری، ۱۳۹۳)	۲۰	(اخباری و همکاران، ۱۳۹۰)
۵	(حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۱)	۱۳	(احمدی و همکاران، ۱۳۹۱)	۲۱	(بحرانی و همکاران، ۱۳۹۱)
۶	(معروف، ۱۳۹۲)	۱۴	(طالبی آرانی و احمدی، ۱۳۹۷)	۲۲	(قدسی، ۱۳۹۱)
۷	(جعفری، ۱۳۹۱)	۱۵	(روحی دهبه، ۱۳۹۷)	۲۳	(اکرمی نیا، ۱۳۹۲)
۸	(ربیعی، ۱۳۹۳)	۱۶	(متقی و قره بیگی، ۱۳۹۴)	۲۴	(نیاکویی و همکاران، ۱۳۹۲)

جدول شماره (۱): بررسی پیشینه پژوهشی
منبع: (یافته‌های تحقیق)

با عنایت به این که عمده پژوهش‌های موجود به صورت خطی و تک متغیره به بررسی این تحولات ژئوپلیتیکی پرداخته‌اند و کمتر به لایه‌های مختلف شکل دهنده به سطح چالش و استمرار آن توجه داشته‌اند، این پژوهش هم از حیث روش و هم از حیث رویکرد، دارای نوآوری بوده و کشف زوایای کمتر شناخته‌شده در لایه‌های مختلف پدیده، می‌تواند زمینه‌ای نظری مبتنی بر شناخت لایه‌ای حوزه‌های پدیدآورنده چالش، برای سیاست‌گذاران و تدبیرپردازان روابط خارجی کشور فراهم آورد.

۵. بررسی علل لایه‌ای چالش‌های کنش سیاست خارجی ایران معطوف به نظم نوین در خاورمیانه

در خصوص علل به وجود آورنده چالش بر اساس تحلیل لایه‌ای علت‌ها می‌توان به لایه‌های علی زیر اشاره کرد که با غور در هر لایه می‌توان راهبردهایی را به تناسب نیازها و الزامات و اقتضائات هر لایه ابداع کرد.

۵-۱. سطح مشاهده‌پذیر علت‌ها

این سطح چنانچه پیش‌تر اشاره شد، لزوماً با معرفت آشکار و عینی سروکار دارد و عامه‌پسند و کاملاً قابل مشاهده است. سطح آشکار از بروز چالش‌ها و محدودیت‌ها برای کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ناشی از نظم نوین در خاورمیانه را می‌توان در سه دوره زمانی متفاوت مورد بررسی قرار داد:

نخست، سال‌های آغازین پس از انقلاب اسلامی که مصادف است با اشغال افغانستان به وسیله ارتش اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری جنبش‌های اسلام‌گرا به منظور مقابله با نیروی متجاوز؛ پیدایش بنیادگرایی اسلامی در قالب نیروهای عرب‌های افغان و طالبان در افغانستان؛ افزایش گرایش به سوی اسلام‌گرایی سیاسی و الگوهای رادیکال از آن؛ شکل‌گیری قیام شیعیان به رهبری آیت‌الله سید محمدباقر صدر و سرکوب گسترده حامیان قیام به وسیله نظام بعثی حاکم در عراق؛ تحمیل جنگ هشت‌ساله عراق به ایران و تغییر در الگوهای همکاری و منازعه میان بازیگران منطقه خاورمیانه.

دوره دوم سال‌های افول قدرت کنشگری اتحاد جماهیر شوروی و سرانجام پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی و تلاش آمریکا برای پر کردن خلأ قدرت در منطقه راهبردی خاورمیانه؛ حمله عراق به کویت و در اختیار قرار گرفتن بهانه به دست سیاستمداران کاخ سفید به منظور اقدام به مداخله نظامی مستقیم در منطقه؛ اجرای سیاست مهار دوجانبه از سوی دولت کلینتون به منظور در محاق قرار دادن ایران و عراق؛

دوره سوم که به بهانه مبارزه و اقدام تلافی‌جویانه با عاملین حملات تروریستی یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ و با حمله نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده به دو کشور خاورمیانه و در همسایگی ایران یعنی افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) آغاز شد؛ اقدامی که هرچند با هدف تحکیم پایه‌های قدرت ایالات متحده در منطقه و تحدید قدرت کنشگری ایران و دیگر قدرت‌های در حال ظهور شرقی انجام پذیرفت؛ اما در عمل منجر به حذف دو دشمن بالقوه ایران، یعنی امارت بنیادگرایان اسلامی طالبان در شرق و نظام بعث عراق در غرب ایران گردید و عملاً عراق را به دومین کشور با حاکمیت شیعیان در جهان تبدیل نمود؛ قدرت‌یابی روزافزون محور مقاومت و شکست‌های متوالی رژیم صهیونیستی در نبردهای سال ۲۰۰۰ و خروج شبانه از جنوب لبنان، شکست در جنگ سی‌وسه روزه؛ و نیز دیگر

شکست‌های این رژیم در مصاف با نیروهای محور مقاومت؛ سرنگونی رژیم‌های مستبد و خودکامه در برخی از کشورهای عربی و اسلامی همچون رژیم معمر القذافی در لیبی، حسنی مبارک در مصر، بن علی در تونس و سرانجام ناکامیابی اتحاد غربی، عربی و عبری در پروژه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) که موجب تسلط قدرت محور مقاومت بر جغرافیای سیاسی نوین در خاورمیانه گردید.

دوره چهارم که با تلاش‌های دولت دونالد ترامپ برای عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل در چارچوب ابتکاراتی چون معامله قرن و پیمان صلح موسوم به ابراهیم صورت گرفت؛ اقدامی که هم‌زمان با خروج نیروهای ارتش آمریکا از افغانستان و به‌نوعی کاهش تدریجی حضور نظامی آمریکا از این منطقه و به‌منظور تأثیرگذاری بر صورت‌بندی و آرایش نیروهای قاعده ساز نظم و امنیت منطقه‌ای و با هدف محدود نمودن قدرت عمل محور مقاومت صورت پذیرفت.

مجموعه این تحولات که استخراج و برشمردن آن نیازمند منبع‌نگاری و توثیق آن به اسناد نیست، همگی بخش‌های مشاهده‌پذیر و عینی از تغییر در صورت‌بندی ژئوپلیتیکی خاورمیانه در طی دهه‌های گذشته است.

لذا، چنانچه ذکر شد، در سال‌های پایانی دوره سوم و نیز دوره چهارم از مجموعه تحولات سیاسی در خاورمیانه، می‌توان تغییر در ساخت نظم در این منطقه راهبردی از جهان را تصدیق نمود؛ امری که می‌توان از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ساخت چالش در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی برای جمهوری اسلامی ایران یادکرد که طبعاً سیاست‌ورزی در دو حوزه سیاست داخلی (به‌طور کمتر مستقیم) و سیاست خارجی (به‌طور مستقیم و مشهود) را متأثر از خود ساخته است. در مجموع، تحولات حادث‌شده و البته تشدید شده طی دهه اخیر، توانسته است شکلی جدید و در حال تکامل از نظم را در منطقه خاورمیانه رقم زند که با عنایت به نقش و تأثیر بازیگران فرامنطقه‌ای در آن، محدودیت‌های قابل توجهی برای جمهوری اسلامی ایران پدید آورده است؛ امری که در ورای ظاهر پیمان‌های سیاسی، نظامی، امنیتی و نیز تعاملات اقتصادی و فناورانه، ماهیتی پیچیده و ذوابعاد داشته و بدون شناخت دقیق ماهیت آن نمی‌توان راهبردی مؤثر برای مقابله با آن اتخاذ نمود. طبعاً شناخت این لایه‌های درونی شده و پنهان می‌تواند طیف فراوانی از

راهبردها در سطوح مختلف زمانی و جغرافیایی را فراروی دستگاه سیاست خارجی کشور قرار دهد که در ادامه سعی در شناخت این سطوح درونی شده داریم.

۲-۵. سطح علل نظام‌مند و تجربی

بر اساس تعریف عنایت‌الله، در روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، سطح نظام علی را معمولاً پژوهشگران دانشگاهی کشف می‌کنند و بیانگر ابعاد و لایه دوم پنهان واقعیت مورد مطالعه است. فرض سطح دوم آن است که مسائل و چالش‌ها به‌خودی‌خود پدید نمی‌آیند، بلکه ریشه در ساختارها و نظام‌های سیاسی-اجتماعی دارند؛ لذا با پویش عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی به کشف علل در این سطح اقدام می‌شود.

برای کشف علل نظام‌مند به پژوهش‌های انجام‌شده دانشگاهی مراجعه شده و پس از دسته‌بندی و پردازش علل منتج از این پژوهش‌ها، مضامین محوری آن‌ها استخراج شده است که این فرآیند بر اساس شناسایی ادبیات نظری و نیز پس از طی فرآیند شناسایی و گزینش مقالات مرتبط بر مبنای یافته‌های ۲۴ مقاله علمی در بازه زمانی ده‌ساله اخیر انجام شده و به شرح ذیل است:

مقولات	مضامین محوری	مضامین استخراج شده از یافته‌های آثار پژوهشی در خصوص چالش‌های ناشی از نظم نوین خاور میانه بر کنش سیاست خارجی ج.ا.ایران
چالش‌های ناشی از تغییر در الگوهای قدرت، سیاست‌ها، منازعه و همکاری منطقه‌ای	ائتلاف ایران و محور مقاومت	<p>پیدایش یک دولت شیعی مذهب دیگر در منطقه خاورمیانه به دنبال تحولات سال ۲۰۰۳ (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱):</p> <p>افزایش قدرت نرم شیعیان و ایران (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱):</p> <p>در غیاب حضور قاعده ساز عراق و مصر در جهان اسلام و عرب، عملاً قطب‌بندی اصلی در منطقه متعلق به ایران و عربستان سعودی است. از یک سو، جمهوری اسلامی ایران درصدد کسب نمایندگی دولت پیشرو در عرصه تمدن سازی است و از سوی دیگر این اقدام ایران می‌تواند آن را به‌عنوان عمده‌ترین رقیب آمریکا در منطقه ارتقا دهد (نادری، ۱۳۹۳):</p> <p>تسلط سیاسی - نظامی جنبش انصار الله بر یمن با به خطر انداختن امنیت عربستان سعودی، موازنه قدرت را به سود ایران تغییر و منجر به گسترش حوزه نفوذ آن در منطقه خاورمیانه می‌شود (همتی و همکاران، ۱۳۹۹):</p> <p>تأثیر شکل‌گیری هلال شیعی در قدرت‌یابی ایران در ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه (معروف، ۱۳۹۲):</p>
	کنشگری و ائتلاف ترکیه، عربستان و اسرائیل	<p>تلاش عربستان و ترکیه و اسرائیل به‌منظور محدودسازی ایران در عرصه ساخت امنیت منطقه‌ای در منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱):</p> <p>تأثیر لابی‌های صهیونیست بر سیاست خارجی آمریکا (جعفری، ۱۳۹۱):</p> <p>ماهیت رقابت ایران و ترکیه، رقابتی غیراستراتژیک است؛ چنانچه این دو، یکدیگر را تهدیدی علیه امنیت ملی خویش ادراک نکرده، ولی به‌دلایل ژئوپلیتیک و راهبردی، به عرصه رقابتی مکانی، موقعیتی و رقابتی ایده‌ای وارد شده‌اند (روحی دهبه، ۱۳۹۷):</p> <p>ترکیه با تغییر در استراتژی‌های سیاست خارجی خود و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در منطقه و پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود، سعی در افزایش نقش منطقه‌ای و جهانی خود دارد (قدسی، ۱۳۹۱).</p> <p>تأکید بر ایفای نقش مؤثر ایران و ترکیه در ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه (قدسی، ۱۳۹۱):</p> <p>تداوم مناقشه اعراب با اسرائیل (موسوی شفقانی و شاپوری، ۱۳۹۰):</p>
چالش‌های امنیتی	تروریسم و افراط‌گرایی دینی	<p>تشدید فرقه‌گرایی در منطقه (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱):</p> <p>اشاره به محدودیت‌های ناشی از تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه برای سیاست خارجی ایران همچون خطر تروریسم، افراط‌گرایی قومی و مذهبی، بحران پایان ذخایر انرژی، آلودگی زیست‌محیطی و ... (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۸۷):</p> <p>گسترش تروریسم در خاورمیانه (موسوی شفقانی و شاپوری، ۱۳۹۰):</p>
	بی‌ثباتی سیاسی و تشدید فضای امنیتی منطقه	<p>تغییر فضای پیرامونی ایران پس از انقلاب به فضایی امنیتی شده (موسوی شفقانی و شاپوری، ۱۳۹۰):</p> <p>خاورمیانه هسته‌ای (موسوی شفقانی و شاپوری، ۱۳۹۰):</p> <p>بروز ناپایداری و عدم توازن در سیاست‌های توسعه در ایران به دلیل ویژگی‌های محیط امنیتی خاورمیانه (خلیلی، ۱۳۹۶):</p> <p>پیامدهای منطقه‌ای حمایت ایران از سوریه در خاورمیانه (بازرگان و پوراحمدی، ۱۳۹۷):</p>

<p>چالش‌های ناشی از مداخلات بازیگران سطح نظام</p>	<p>رقابت راهبردی آمریکا در خاورمیانه</p>	<p>رقابت راهبردی ایران و آمریکا در خاورمیانه (جمشیدی، ۱۳۹۳): ناکامی آمریکا در پیش‌بینی و مدیریت تحولات در خاورمیانه و شمال آفریقا (جمشیدی، ۱۳۹۳): دغدغه‌های استراتژیک آمریکا درباره مؤلفه‌های تشیع در خاورمیانه (معروف، ۱۳۹۲): اتحاد آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه (جعفری، ۱۳۹۱):</p>
	<p>رویکرد خاورمیانه‌ای اتحادیه اروپایی</p>	<p>رویکرد اتحادیه اروپا در قبال منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به شکل خاص است و نشان می‌دهد که چگونه اهمیت ژئوپلیتیک در عرصه منطقه‌ای و جهانی باز احیا شده است (طالبی آرانی و احمدی، ۱۳۹۷): ناکارآمدی در مدیریت بحران، تأثیرات شگرفی بر سوریه و منطقه و حتی سطح بین‌المللی داشته و موجب شده است تا بحران امنیتی، به جنگی تمام‌عیار تبدیل شود و متعاقب آن نیز زمینه لازم برای دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران بیش از پیش فراهم شود (امیدی و آقا محمدی، ۱۳۹۶):</p>
	<p>رویکرد خاورمیانه‌ای چین</p>	<p>افزایش تعاملات اقتصادی، تجاری، نظامی و فناورانه چین در منطقه از طریق پروژه یک جاده - یک کمربند و اعطای وام‌های راهبردی به کشورهای عرب (محمودی کیا، ۱۳۹۸):</p>
<p>چالش‌های ناشی از تعارض منافع ایران و آمریکا</p>	<p>راهبرد مهار نفوذ ایران</p>	<p>تشدید سیاست‌های تهاجمی واشنگتن بر ضد تهران (جمشیدی، ۱۳۹۳): تلاش ایالات متحده برای ناکارآمد نشان دادن الگوی انقلاب اسلامی به‌منظور جلوگیری از بهره‌برداری جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های نوظهور منطقه‌ای (جمشیدی، ۱۳۹۳):</p>
	<p>راهبرد همکاری و تعامل در مواجهه با تهدیدات مشترک</p>	<p>به‌رغم تعارضات هنجاری و رقابت‌های راهبردی میان ایران و آمریکا و تداوم رقابت‌های این دو در عراق، عواملی چون محدودیت‌های ژئوپلیتیکی و نیز مواجهه مشترک ایران و آمریکا با تهدیداتی مشترک همچون افراط‌گرایی دینی و تروریسم بین‌المللی، هر دو کشور به سمت نوعی از همکاری‌های ضمنی سوق یافته‌اند (اسدی، ۱۳۹۳):</p>
<p>چالش‌های ناشی از مؤلفه‌های سطح سیستم داخلی کشور</p>	<p>نقش ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه در سیاست‌های توسعه‌ای کشور</p>	<p>ایدئولوژی، بیشترین تأثیر و منافع اقتصادی، کمترین تأثیر را در بین مؤلفه‌های شکل دهنده به قلمروهای نوین ژئوپلیتیکی ایران به خود اختصاص داده‌اند (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۱): تغییر در ژئوپلیتیک خاورمیانه به‌عنوان اساسی‌ترین چالش سیاست خارجی ایران و توسعه ملی کشور (عزتی و رشو، ۱۳۸۶): علی‌رغم برخورداری ایران از همه متغیرهای قدرت، شاهد افزایش روزافزون هزینه‌ها و تقلیل منافع ملی هستیم، به غیرطبیعی شدن روابط ایران با همسایگان خود اشاره می‌کنند. (عزتی و رشو، ۱۳۸۶): تأکید بر ضرورت اتخاذ راهبرد برد-برد در چارچوب تعامل؛ رقابت برای ایجاد ثبات در منطقه با هدف کسب منافع اقتصادی؛ اتخاذ سیاست خارجی روادارانه با جهان و تنش‌زدایی در عرصه سیاست خارجی (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۸۷):</p>

<p>چالش‌های ناشی از مؤلفه‌های سطح سیستم داخلی کشور</p>	<p>تأثیر ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه بر هویت دینی و ملی</p>	<p>انقلاب اسلامی ایران، منبع اصلی بازتولید و رواج هویت دینی شیعیان و در نگاهی وسیع‌تر، هویت دینی مسلمانان در جهان معاصر به شمار می‌رود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱)؛ لزوم بهره‌گیری هرچه بیشتر دستگاه سیاست خارجی از این شاخص‌ها برای افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران (ربیعی، ۱۳۹۳)؛ بهره‌گیری از توافق‌نامه‌های دو یا چندجانبه منع تعرض، توسعه اتحادیه‌های غیرسیاسی منطقه‌ای، تمرکز بر دیپلماسی عمومی، تقویت و توسعه لابی‌های ایرانی، شکل‌دهی سازمان‌ها و لابی‌های شیعی و اسلامی و حرکت در مسیر جداسازی آرمان‌گرایی انقلابی یا شئون حکومتی (بحرانی و دیگران، ۱۳۹۱)؛</p>
<p>چالش‌های ناشی از مؤلفه‌های سطح سیستم داخلی کشور</p>	<p>نقش ژئوپلیتیک بر اصلاح رفتار سیاست خارجی کشور</p>	<p>عدم هماهنگی و مخالفت ایران با طرح خاورمیانه بزرگ، آن را با چالش‌هایی مواجه می‌کند (اخباری و همکاران، ۱۳۹۰)؛ حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات، مقابله با حضور و نفوذ آمریکا، ثبات‌سازی، نهادسازی منطقه‌ای، ممانعت از امنیتی‌سازی، ارتقای مشروعیت منطقه‌ای و نیز هنجارسازی (اکرمی‌نیا، ۱۳۹۲)؛ گفتمان میانه‌دور سیاست خارجی، یکی از رهیافت‌های سودآور است و وزن ژئوپلیتیکی ایران را در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بهبود می‌بخشد (متقی و قره‌بیگی، ۱۳۹۴)؛ جمهوری اسلامی ایران با بازشناخت عمیق موقعیت ژئوپلیتیکی خود می‌تواند به جایگاه یک قدرت کلان در سطح منطقه دست یابد و از چالش‌ها و انزوای ژئوپلیتیکی ناشی از آن مصون باشد (متقی و قره‌بیگی، ۱۳۹۴)؛ لزوم حضور فعال ایران در مسائل منطقه‌ای و اتخاذ تاکتیک‌های مناسب برای صیانت از منافع و امنیت ملی کشور (قدسی، ۱۳۹۱)؛</p>

جدول شماره ۲: تحلیل مضامین یافته‌های پژوهشی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در مجموع، در خصوص علل تجربی چالش‌های ناشی از نظم نوین خاورمیانه معطوف به کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی را می‌توان در پنج محور تبیین نمود:

۱-۲-۵. چالش‌های ناشی از تغییر در الگوهای قدرت، سیاست‌ها، منازعه و همکاری منطقه‌ای

یکی از مؤلفه‌های اصلی در صورت‌بندی ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه تغییر در الگوهای همکاری و منازعه میان بازیگران فعال در آن است. بر این اساس، مسائلی چون ثروت قابل توجه کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس، توان ائتلاف‌سازی اسرائیل، اقدامات نظامی آمریکا در یک قطب و همکاری‌های مشترک میان ایران و روسیه در قطب دیگر بر روند شکل‌گیری نظم آینده ژئوپلیتیکی خاورمیانه تأثیرگذارند. در این بین، دیگر بازیگران

فعال منطقه همچون ترکیه به منافع ناتو و آمریکا گرایش بیشتری از خود نشان می‌دهند (سریع‌القلم، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۴).

در یک نگاه کلی، خاورمیانه امروز عرصه همکاری، رقابت و منازعه میان سه بازیگر اصلی آن یعنی ایران، اسرائیل و ترکیه است. بر این اساس، درحالی‌که ایران در تلاش برای افزایش نفوذ و قدرت جریان مقاومت در منطقه است، ترکیه نیز درصدد افزایش نفوذ خود در گروه‌های نیابتی خود در عراق، سوریه و نیز جریان نئو اخوانی در منطقه عربی شمال آفریقا است. اسرائیل نیز با تکیه بر راهبردهایی نظیر تنگ کردن حلقه فشارهای بین‌المللی بر ایران و نیز مداخله در برنامه‌های موشکی، هسته‌ای و نیز حضور نظامی امنیتی ایران، تلاش دارد تا مانع از قدرت‌یابی ایران در منطقه شود.

۲-۲-۵. چالش‌های امنیتی

مسائلی چون امنیتی کردن خاورمیانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هسته‌ای شدن آن، شکاف‌های قومی - فرقه‌ای و نیز گسترش ناامنی، تروریسم و خشونت در این منطقه موجب شده است تا چالش‌های امنیتی در خاورمیانه بسیار برجسته باشد.

لذا، مسئله امنیت ملی برای کشورهای خاورمیانه به‌شدت تهدید محور شده است. بدیهی است که در چنین فضایی حفظ خود، به موضوع اصلی استراتژی امنیت ملی تبدیل شده و واحدهای سیاسی مربوطه به‌ناچار، بازگشتی به گفتمان‌های سلبی را تجربه خواهند کرد (اخباری و ایازی، ۱۳۸۶، صص. ۴۹-۴۸). بهره‌گیری از گفتمان‌های سلبی موجب انسداد در مسیر گفتگو و راهکارهای حل مسئله بین بازیگران فعال در صحنه منطقه می‌شود.

۲-۲-۵. چالش‌های ناشی از مداخلات بازیگران سطح نظام

به‌غیراز محور غرب و به‌طور عمده آمریکا، بازیگران فرامنطقه‌ای دیگری که سعی می‌کنند در مناقشات و مسائل ژئوپلیتیکی اخیر خاورمیانه ایفای نقش داشته باشد، روسیه و چین هستند. هدف روسیه گسترش حوزه جغرافیای اختلافات خود با دیگر رقبای بین‌المللی همچون آمریکا و اروپاست تا بتواند در یک ماتریس فراگیرتر، ابزارهای فشار و در نتیجه، امتیازهای بیشتری در اختیار داشته باشد؛ از این رو، جایگاه قدرت‌های منطقه‌ای همچون

سوریه، عراق، عربستان، ایران، ترکیه و اسرائیل تحت تأثیر ماهیت رقابتی است که در سطح نظام جهانی و به صورت دوجانبه میان روسیه و آمریکا شکل بگیرد. این در حالی است که قدرت‌های شرقی همچون چین و روسیه به جای تأکید بر دموکراسی، به حاکمیت ملی دولت‌ها تأکید می‌کنند و بر این باورند که در خاورمیانه، باید با ساختارهای موجود همکاری کرد (ایکبری، ۲۰۱۱، صص. ۶۲۴-۶۲۳ به نقل از: سریع‌القلم، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۶).

در مجموع، موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خاورمیانه موجب علاقه‌مندی بازیگران عمده جهانی به این منطقه شده است. از این رو، در کنار رقابت برای انعقاد قراردادهای تسلیحاتی، شاهد برنامه‌های راهبردی ایالات متحده، اتحادیه اروپایی و نیز روسیه و چین در طرح‌های سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، انرژی و نیز تجارت بین‌المللی در کشورهای خاورمیانه به‌طور خاص کشورهای ثروتمند عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس هستیم.

۴-۲-۵. چالش‌های ناشی از تعارض منافع ایران و آمریکا

مواجهه ایالات متحده آمریکا و ایران در خاورمیانه نوعی مواجهه متناقض‌نماست؛ چرا که از یک سو شاهد تعارض منافع این دو بازیگر در برخی از حوزه‌های راهبردی همچون مسئله بحران در فلسطین، حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه و نیز تلاش کاخ سفید برای محدودسازی قدرت نفوذ ایران در منطقه هستیم و از سوی دیگر، شاهد بروز جنبه‌های از همکاری در زمینه تهدیدات مشترک همچون بحران طالبان در افغانستان، رژیم بعثی عراق و نیز خطر افراط‌گرایی بنیادگرای اسلامی دولت اسلامی داعش هستیم.

با این حال، ابعاد رقابت‌آمیز و تعارض منافع وجه غالب در این زمینه است و از حیث ژئوپلیتیکی، تسلط بر حوزه‌های انرژی در خاورمیانه، قدرت‌کنشگری بین‌المللی آمریکا را به‌طور فراوانی افزایش خواهد داد. از این رو، سیاست خارجی ایالات متحده به‌سوی امتناع از قدرتمند شدن بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون ایران، چین و روسیه در خاورمیانه سوق خواهد یافت. از همین منظر همکاری‌های نظامی و امنیتی میان رژیم‌های عرب

حاشیه جنوبی خلیج فارس با آمریکا در طی سنوات اخیر نه تنها کاهش پیدا نکرد، بلکه روند افزایشی را نیز تجربه نموده است و این حقیقت، در آمدوشد دولت‌های مختلف از دو حزب دموکرات و جمهوری خواه تأثیر چندانی نداشته است.

۵-۲-۵. چالش‌های ناشی از مؤلفه‌های سطح سیستم داخلی کشور

یکی از پیامدهای تغییر در صورت‌بندی نظم نوین در خاورمیانه، به تغییر در منطق کنش سیاست خارجی ایران بازمی‌گردد. بر این مبنای، ایران برای دستیابی به بیشینه منافع ملی خود در سطح منطقه نیازمند اتخاذ الگوی همکاری جویانه در عرصه دیپلماسی، بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی، افزایش تعاملات منطقه‌ای و امتناع از افتادن در دام انزوای بین‌المللی است.

در یک نگاه اجمالی، می‌توان این گونه ادعا کرد که ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه دو سطح ساختار و کارگزار را تا حد بسیاری متأثر از خود کرده است. سطح ساختار به تغییر ماهیت برخی رژیم‌های منطقه همچون عراق، لیبی، تونس و یمن و سطح کارگزار نیز به چهار حوزه بازیگران فرامنطقه‌ای، دولت‌های ملی منطقه، سازمان‌ها و نهادهای دولتی منطقه‌ای و نهادهای مدنی و جنبش‌های اجتماعی و اسلامی اشاره دارد.

۵-۳. علل مرتبط با سطح جهان بینی و گفتمان

سومین سطح تحلیل علمی به نوع نگرش کلان و فراگفتمان قدرت‌های بزرگ به ایران انقلابی مربوط می‌شود که آن را نوع جهان‌بینی و گفتمان بازیگران در خصوص موضوع می‌توان نامید و به تشخیص فرضیات عمیق‌تر پشت مسئله و تلاش برای تدوین یک چشم‌انداز جدید از مسئله می‌پردازد. در این مرحله می‌توان فهمید که چگونه گفتمان‌های مختلف تحت تأثیر قدرت فراتر از یک علت یا میانجی برای مسئله عمل می‌کنند و آن را می‌سازند (گلن و نگوردن، ۱۳۹۳، ج. ۲، ص. ۱۰۴).

۵-۳-۱. تعارض در سطح گفتمان سیاسی

از حیث علل مرتبط با سطح جهان‌بینی، می‌توان چنین اذعان داشت که تعارض در سطح

گفتمان سیاسی و ارزش‌های حاکم بر تشخیص یافتن و متمایز گردیدن گفتمان‌های سیاسی ایران و غرب، نقش اساسی را در این حوزه ایفا می‌کند. غرب و به طور عمده آمریکا از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، نوعی ادراک تهدید پندارانه از آن ارائه دادند که این ادراک را با برجسب‌های امنیتی در اسناد بالادستی خود مطرح و برجسته ساختند؛ به طوری که جایگاه جمهوری اسلامی ایران در اسناد راهبرد امنیتی غرب و به طور خاص، در مورد آمریکای پسا جنگ سرد، به جایگاه تهدیدی بالقوه در این استراتژی ارتقا یافته است. به یک معنا، غرب همواره در تلاش بوده است تا جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تهدیدی قریب‌الوقوع در منطقه خاورمیانه و به تبع آن تهدیدی علیه صلح و ثبات جهانی معرفی کند. چنانچه در بیان جرج بوش پسر پس از تحولات ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱، ایران به عنوان یکی از اضلاع اساسی «محور شرارت» خوانده شد. این مسئله را می‌توان در لابه‌لای متون اسناد راهبرد امنیت ملی آمریکا نیز مشاهده کرد به طوری که در هر یک از تصریحات و اشارات این اسناد به مقولاتی چون تروریسم، افراط‌گرایی، تسلیحات کشتار جمعی و گاه نقض حقوق بشر، نام ایران در آن برجسته است. از این رو، غرب در تلاش است تا ایجاد نوعی تصویر برساخته از ایران به عنوان کنشگری ضد ارزش‌های نظم و نظام بین‌المللی مستقر، با تأکید بر قابلیت‌های نظامی ایران همچون برخورداری از دانش ساخت موشک‌های دوربرد و نیز امکان دستیابی به بمب اتم، این باور مخدوش را ترویج دهد که ایران قابلیت آن را دارد که به تهدیدی علیه امنیت بین‌الملل ارتقا یابد (دهقانی و علوی، ۱۳۹۵، ص. ۴۹). لذا، مسئله تعارضات در سطح گفتمان‌های سیاسی بر چگونگی ساخت جهان‌نگرش‌های طرفینی نسبت به یکدیگر، نقشی اساسی در شکل‌گیری و تداوم الگوهای تعارض و چالش ایفا می‌نماید.

۲-۳-۵. تعارض در سطح گفتمان ایدئولوژیک

عمده‌ترین عنصر گفتمانی ایدئولوژیک در صورت‌بندی نوین نظم در خاورمیانه به تعارض میان گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی با اندیشه‌های جهانی لیبرالی بازمی‌گردد. اسلام سیاسی گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی خود قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود (سعید، ۱۳۷۹،

ص. ۲۰). این گفتمان (اسلام سیاسی) نه تنها نهاد سیاست بین‌الملل غرب، بلکه موضوعات مبنایی آن را نیز به چالش کشیده است. بر این اساس، جهان اسلام در کل از نظر مسائل بنیادی مانند شکل مناسب دولت، نقش شایسته دین در دولت و مدارا با اقلیت‌های دینی با غرب متفاوت است (فاکس و سندلر، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۷).

اسلام سیاسی در دنیای معاصر یک گفتمان است که حول دال مرکزی اعتقاد به این که اسلام دارای آموزه‌های سیاسی-اجتماعی است و نیز این که دین و سیاست باهم مرتبط هستند، سامان یافته و اسلام‌گرایان سیاسی دال‌های شناوری را که همان مفاهیم و واژه‌های معمول در جامعه اسلامی است حول این دال مرکزی مفصل‌بندی می‌کنند (فوزی، ۱۳۹۵، ص. ۱۹). بر این اساس، الگوی اسلام‌گرایی سیاسی عمدتاً در قدرت‌نمایی محور مقاومت در منطقه صورت تحقق یافته است و طبعاً جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی در بازتولید و حمایت از این گفتمان را بر عهده دارد. در مقابل، گفتمان اسلام‌گرایی ملی‌گرایانه ترکیه و قطر و تا حدودی عربستان سعودی با تأکید بر جنبه‌هایی از مؤلفه‌های ملی‌گرایانه، آموزه‌های لیبرالی و اسلام خواهانه انتظام یافته است.

با این حال، فارغ از ماهیت رقابت‌های درون منطقه‌ای میان گفتمان‌های موجود اسلام‌گرا، در خصوص مواجهه این گفتمان‌ها با گفتمان غالب در سطح نظام بین‌الملل، گفتمان دوم با چالش‌های چندانی مواجه نیست، در حالی که فشارهای فراوانی متوجه گفتمان اسلام سیاسی مبارزی است که جمهوری اسلامی ایران در نقطه محوری آن قرار دارد؛ در حالی که مسئله دیگری که بیش از همه خاورمیانه را برای بین‌الملل‌گرایان محافظه‌کار و لیبرال آمریکایی مورد توجه قرار داده، ماهیت حیات ارزشی گفتمان مقاومت در منطقه خاورمیانه است چرا که ارزش‌های حاکم بر جوامع این منطقه جغرافیایی به شکل گسترده در حیطه‌های مختلف به‌ویژه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با ارزش‌های مورد نظر آمریکا در تعارض قرار دارند (سمیعی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳).

بر این اساس، می‌توان گفت نوع نگرش کلان (جهان‌بینی) و گفتمان حاکم بر نوع نگرش قدرت‌های عضو شورای امنیت به ایران انقلابی فراتر از سخنان و اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های آن‌ها در شورا، علی‌رغم برخی تفاوت‌ها، بر گفتمانی امنیتی و تهدیدانگار از ایران انقلابی استوار است و این گفتمان که در پیوند با عناصر قدرت در پشت تحرکات

سیاسی در خصوص ایران شکل گرفته نقش مهمی را در تداوم و عدم حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران موجب شده است.

۴-۵. سطح عمیق تر علل: استعاره‌ها

استعاره‌ها و اسطوره‌ها نوعی تولید فرهنگی برای خلق هویت و اقدامات فوری و جمعی مقتدرانه در زمان‌های مختلف هستند و ایده‌آل‌های نهفته در پس و پشت جهان‌بینی‌ها را توضیح می‌دهند و به بیان دیگر، ایده‌آل‌ها مطلوباتی است که در پشت واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی پنهان شده‌اند و تغییر در هر واقعیت نیازمند سرایش داستان‌های جدیدی در عرصه استعاره‌ای و اسطوره‌ای است. بر این اساس، در علل شکل‌دهنده به صورت‌بندی ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه می‌توان به استعاره‌هایی اشاره کرد که معنابخش نوع رویکرد جمهوری اسلامی ایران و دیگر بازیگران دخیل در منازعات ژئوپلیتیکی این منطقه نسبت به وضعیت موجود صورت‌بندی ژئوپلیتیکی خاورمیانه است. این زبان استعاره‌ای را می‌توان در مصادیق زیر جستجو کرد:

۱-۴-۵. استعاره تهدید هنجاری^۱

آنچه نظم هنجاری^۲ دانسته می‌شود، مشتمل بر مجموعه‌ای از اصول است که شهروندان یک جامعه معتقدند برای عملکرد، توجیه‌پذیری و در واقع واقعیت نهاد سیاسی مورد نیاز هستند؛ بنابراین، تهدید هنجاری به مثابه یک آسیب حتمی نسبت به نهاد سیاسی، از طریق سرپیچی از اصول اساسی نظم و حقوقی که گروه مورد تعلق فرد را تشکیل می‌دهد، ادراک می‌شود (Creppell, 2011, p. 450).

امنیت بین‌الملل به‌عنوان یکی از دیرینه‌ترین آرمان‌های بشری و هنجاری بنیادین، به معنای حفظ مناسبات قدرت در عرصه جهانی بوده و هر کنشگری که بخواهد فراتر از این مناسبات حرکت کند به‌عنوان برهم‌زننده صلح بین‌المللی و تهدیدی هنجاری قلمداد

1. Normative Threat

2. Normative Order

شده و با آن برخورد می‌شود. از این رو، یکی از مهم‌ترین عللی که در ساخت نظم نوین در خاورمیانه نقش آفرینی بسزایی دارد، مسئله امنیت است. در واقع، ادراکات مبتنی بر تنگنای امنیتی تأثیر بالایی در تعیین راهبردهای سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای داشته است. در حالی که طی هفتادسال گذشته مهم‌ترین عامل تخاصمی و نیز بازیگر آشوب‌ساز در منطقه خاورمیانه، رژیم صهیونیستی بوده و پرونده مخاصمات نظامی میان اعراب و اسرائیل فهرستی طولانی از برخوردهای نظامی را شامل می‌شود، این پروژه ایران‌هراسی است که امروزه به‌عنوان فوری‌ترین خطر برای رژیم‌های عرب منطقه تلقی می‌شود.

بر این اساس، در حالی که ایران‌هراسی به‌عنوان یک اصل در رفتار سیاست خارجی بازیگران منطقه خاورمیانه مورد پذیرش قرار گرفته، عادی‌سازی روابط میان دولت‌های عرب با رژیم صهیونیستی در دستور کار قرار گرفته است؛ لذا تا زمانی که نوعی احساس خطر نسبت به قدرت ملی ایران در منطقه وجود دارد، شاهد تشدید تنگنای امنیتی در این منطقه هستیم؛ که مصداق یکی از این نیروها از دیدگاه قدرت‌های حاکم بر نظام بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران بوده است و بر همین اساس، هرگونه کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر انتقاد از وضعیت موجود و یا تلاش برای مقابله با برخی مناسبات ظالمانه و ناعادلانه در نظام بین‌الملل همچون مخالفت با اقدامات ظالمانه و غاصبانه اسرائیل در منطقه و حفظ استقلال عمل کشورها به دور از مداخلات خارجی، از سوی قدرت‌های حاکم با توسل به استعاره دفاع از صلح و امنیت بین‌المللی با چالش همراه شده و ایران به‌عنوان برهم‌زننده صلح و امنیت بین‌المللی معرفی شده است. در واقع، این نوع اسطوره‌سازی‌های حاکم بر نظام بین‌الملل را می‌توان علل عمیق‌تر چالش‌های موجود بین ایران و نظام بین‌الملل دانست که تغییر این اسطوره و بازتعریف آن بر اساس تعریف دموکراتیک‌تر و واقعی‌تری از امنیت و نظم بین‌المللی می‌تواند به بازتعریف چالش و تغییر در رویکرد به اقدامات کشورها از جمله ایران بیانجامد.

۲-۴-۵. استعاره بازیگر شرور^۱

بعد از جنگ سرد رویکرد جدیدی در مورد تهدیدات نظام بین‌المللی در بین کشورهای غربی یعنی آمریکا و اروپا شکل گرفت که در قالب مفاهیم و استعاره‌های جدیدی مطرح شد که یکی از آن‌ها تأکید بر محور شرارت و یا به تعبیر دیگر تروریسم دولتی به‌عنوان مصادیق ورودی آشوب‌ساز در سطح نظام بود. استعاره تروریسم دولتی عمدتاً بعد از ۱۱ سپتامبر به‌شدت بزرگ‌نمایی شد چنانچه محیط امنیتی غرب بر اساس آن تعریف شد به‌طوری که کشورهای غربی عمدتاً تعریف جدیدی از امنیت و تهدیدات امنیتی ارائه دادند و استراتژی‌های جدیدی را برای مقابله با تروریسم به‌عنوان مهم‌ترین تهدیدکننده امنیت ارائه کردند و این واژه به‌عنوان واژه کلیدی در همه اسناد استراتژی ملی آمریکا در سال‌های بعد به‌طور مکرر به‌عنوان مهم‌ترین چالش پیش روی غرب طرح گردید.

از سوی دیگر، با توجه به عدم تمایز گذاری بین تروریسم و مبارزات مشروع و آزادی‌بخش، این برجسب برای هرگونه حرکت مخالف با منافع غرب می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و لذا ایران همواره با این برجسب از سوی قدرت‌های جهانی به‌خصوص آمریکا متهم شده است و دفاع ایران از مردم مظلوم فلسطین و یا یمن و... مصداق حمایت از تروریسم خوانده شده است. به‌عبارت‌دیگر، همه جریانات مخالف تجاوزطلبی اسرائیل را تروریسم نامیده که هرگونه برجسب تروریسم به کشورهای می‌تواند زمینه را برای فشارهای بیشتر و تهدیدانگاری آن‌ها آماده سازد.

۶. جمع‌بندی

این پژوهش درصدد واکاوی ماهیت چالش‌های فراروی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ناشی از ترتیبات نظم نوین خاورمیانه است که تلاش شد با بهره‌گیری از چارچوبی نظری و به صورت روش‌مند، فهم دقیق‌تری از ماهیت این چالش‌ها ارائه گردد؛ لذا، چنانچه ذکر شد، ابتدا مهم‌ترین تغییرات در ساخت چهره نوین نظم در خاورمیانه برشمرده شد و پس از آن، مبتنی بر یافته‌های تحقیقات پیشین، مهم‌ترین مقولات شکل‌دهنده به وضعیت چالش

شناسایی شد. در ادامه واکاوی ماهیت سطح چالش‌ها، بر این نکته تأکید شد که همان‌گونه که سطح مشاهده‌پذیر چالش‌ها، خود معلول عوامل زیرینی است و نظامی از علت‌ها و مجموعه متنوعی از مؤلفه‌ها در ساخت آن شراکت دارند، خود آن‌ها نیز محصول سطوح زیرین و بنیادی‌تر دیگری هستند که بر سازنده آن‌ها به شمار می‌آیند. بر این اساس، تلاش شد تا نحوه تأثیرگذاری سطوح دیگر، یعنی سطح گفتمانی با تکیه بر ارزش‌ها و هنجارهای درونی خود و نیز سطح استعارگی یا اسطورگی به‌عنوان بنیادی‌ترین سطح نظام تصورات ذهنی کنشگران انسانی، بر ساخت وضعیت چالش‌گون در حوزه سیاست خارجی مورد بررسی و امعان نظر قرار گیرد.

لذا، این پژوهش درصدد خاطر نشان ساختن این واقعیت است که پدیده‌های جهان پیرامونی محصول سطوح مختلفی از عوامل و زمینه‌های علی، شناختی، ادراکی و تصویری هستند که هرچند نامشهود، ولی به‌صورت مؤثر بر ساخت واقعیت‌های اجتماعی تأثیرگذارند؛ لذا، هرگونه تلاش برای سیاست‌گذاری در حوزه روابط خارجی باید با شناخت مستوفی از این لایه‌ها صورت پذیرد تا بتوان مجموعه متنوع و به هم پیوستاری از راهبردها را برای کنش در حوزه سیاست خارجی کشور پیشنهاد کرد؛ طبعاً این شناخت از پدیده‌ها در حوزه سیاست خارجی، منجر به پیدایش بسته‌های سیاستی جامع با بازه‌های زمانی متنوع شده که برنامه جامعی از اقدام راهبردی را برای کشور مهیا می‌سازد.

با این وصف، چنانچه نگاهی خطی و نه منظومه‌ای به پدیده‌های سیاسی داشته باشیم، عملاً نمی‌توان یک سازه به هم پیوستار و متعامل از اجزا در کنش سیاست خارجی را فراهم آورد به‌طوری که بتواند تغییر در هر یک از متغیرهای محیطی را با متغیر دیگری به کنترل خود درآورد و مانع از تزايد سطح چالش شود. همچنین، نگاه لایه‌ای به ماهیت چالش‌ها این مزیت را دارد که مانع از فروافتادن در دام تصورات و خطاهای تحلیلی شود چراکه درنهایت سیاست‌گذار به این معنا نظر و آگاهی دارد که نمی‌توان انتظار جامعی از رفع تمام و کمال چالش در بلندمدت داشت و یا این که مانع از افتادن در دام خطای راهبردی بیهوده انگاری دیپلماسی در رفع چالش‌های روابط خارجی و در نتیجه انفعال از این عرصه شود؛ چرا که این بینش در او ایجاد می‌شود که در مواجهه با پدیده‌های سیاسی می‌توان سطوح مختلفی از علل و مؤلفه‌ها را شناسایی کرد که هر یک ماهیت و پویایی‌های درونی خود را دارند چنانچه

در خصوص برخی از مؤلفه‌ها می‌توان از هنر دیپلماسی استفاده بهینه کرد و در کوتاه‌مدت سطحی از چالش را برطرف نمود و یا این که در برخی از سطوح چالش که درونی‌تر بوده و به سطح انگاره‌های ذهنی بازمی‌گردد، باید برنامه‌ریزی بلندمدت‌تری را در دستور کار قرار دارد و بر روی جنس خاصی از مخاطبان نیز تمرکز کرد؛ طبعاً در حوزه اخیر، باید بر مجموعه‌ای از راهبردها توجه کرد که بتواند بر ذهنیت‌ها تأثیرگذار باشد و تصویر برساخته پیشین را که موجد چالش شده دگرگون ساخته و تصویری نو بسازد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی تمام مقاله را نوشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- احمدی، سید عباس؛ محمود واثق و مسعود جاسم نژاد (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک شیعه و ارتقای جایگاه ایران در خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۴(۲)، پیاپی ۸۰، ۸۴-۶۵. <https://www.sid.ir/paper/139158/fa>
- اخباری، محمد و محمدهادی ایازی (۱۳۸۶). وضعیت خاورمیانه در ساختار ژئوپلیتیکی هزاره سوم. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۳(۳)، ۵۴-۳۵. <https://www.sid.ir/paper/116040/fa>
- اخباری، محمد؛ عطاءالله عبدی و حسین مختاری هشی (۱۳۹۰). موقعیت ژئوپلیتیک ایران و تلاش‌های آمریکا برای تثبیت هژمونی خود در جهان مطالعه موردی: طرح خاورمیانه بزرگ. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۳(۱)، پیاپی ۷۵، ۱۱۲-۸۷. https://jhgr.ut.ac.ir/article_24488.html
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۳). ایران و آمریکا در عراق: تنوع کنش‌ها. روابط خارجی، ۶(۴)، پیاپی ۲۴، ۱۵۶-۱۲۷. [dor: 20.1001.1.20085419.1393.6.4.5.1](https://doi.org/10.1001.1.20085419.1393.6.4.5.1)
- اکرمی‌نیا، محمد (۱۳۹۲). راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

- در دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۶ (۲)، ۶۰-۳۳. [dor: 20.1001.1.17350727.1392.16.60.2.6](https://doi.org/10.1001.1.17350727.1392.16.60.2.6)
- امیدی، علی و زهرا آقا محمدی (۱۳۹۶). بحران سوریه بر اساس نظریه مکعب بحران. روابط خارجی، ۹ (۴)، ۱۰۲-۶۳. [dor: 20.1001.1.20085419.1396.9.4.3.0](https://doi.org/10.1001.1.20085419.1396.9.4.3.0)
- بازرگان، ابوالفضل و حسین پوراحمدی میدی (۱۳۹۷). ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۷). رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۹ (۳)، پیاپی ۵۳، ۱۱۳-۸۴. https://piaj.sbu.ac.ir/article-cle_99684.html
- بحرانی، مرتضی؛ سید مالک حسینی و محمود ملکی (۱۳۹۱). فرصت‌های ایران برای تبدیل به قدرت برتر منطقه‌ای. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۲ (۱)، ۵۴-۲۹. [URL : http://priw.ir/article-1-80-fa.html](http://priw.ir/article-1-80-fa.html)
- جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. ژئوپلیتیک، شماره ۲۶، ۶۲-۲۹. [dor: 20.1001.1.17354331.1.391.8.26.2.0](https://doi.org/10.1001.1.17354331.1.391.8.26.2.0)
- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۱). تبیین عوامل و اهداف اتحاد استراتژیک میان آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه. ژئوپلیتیک، ۸ (۲۶)، ۱۹۱-۱۵۳. [dor: 20.1001.1.17354331.1391.8.2](https://doi.org/10.1001.1.17354331.1391.8.2) 6.6.4
- جمشیدی، محمد. (۱۳۹۳) تحولات خاورمیانه در دوره اوباما و تغییر استراتژی آمریکا در قبال ایران، روابط خارجی، ۶ (۳)، ۱۰۴-۷۵. [dor: 20.1001.1.20085419.1393.6.3.3.7](https://doi.org/10.1001.1.20085419.1393.6.3.3.7)
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ زهرا احمدی پور و چمران بویه (۱۳۹۱). تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری قلمروهای ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱ (۱)، ۴۹-۲۶. <https://doi.org/10.22067/jipr.v1391i1.27016>
- خلیلی، رضا (۱۳۹۶). امنیت و توسعه؛ رویکردی ژئوپلیتیکی به توسعه و توازن در ایران. مطالعات راهبردی، ۲۰ (۴)، پیاپی ۷۸، ۱۵۱-۱۲۱. [dor: 20.1001.1.17350727.1396.20.78.5.3](https://doi.org/10.1001.1.17350727.1396.20.78.5.3)
- ربیعی، حسن (۱۳۹۳). تبیین شاخص‌های ژئوپلیتیک قدرت هوشمند ایران در راستای تحولات جدید خاورمیانه. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۴ (۳)، ۱۱۲-۸۹. <https://priw.ir/article-1-57-fa.html>

- روحی دهبنه، مجید (۱۳۹۷). تحلیل ژئوپلیتیکی رقابت‌های ایران و ترکیه متأثر از تحولات خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ میلادی. ژئوپلیتیک، ۱۴ (۱)، پیاپی ۴۹، ۱۴۷-۱۱۳. . . [dor:20.1001.1.17354331.1397.14.49.5.1](https://doi.org/10.17354/331.1397.14.49.5.1)
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۵). نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۲ (۱)، ۱۳۹-۱۰۱. [dor: 20.1001.1.1735790.1395.12.1.4.5](https://doi.org/10.17354/790.1395.12.1.4.5)
- سعید، بابی (۱۳۷۹). هراس بنیادین. ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سمعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه و چالش ایران و آمریکا. اطلاعات سیاسی اقتصادی، (۲۶۴-۲۶۳)، ۲۱-۱۰.
- شهبازی، سهند؛ مسعودنیا، حسین؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۸). تأثیر روابط ایران و ترکیه بر روند همگرایی در خاورمیانه. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۹ (۱)، ۱۸۹-۱۶۵. <https://priw.ir/article-1-888-fa.html>
- طالبی آرانی، روح‌الله و بهزاد احمدی لفورکی (۱۳۹۷). بازگشت به ژئوپلیتیک: بررسی سیر تحول سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال خاورمیانه و شمال آفریقا و الزامات آن برای جمهوری اسلامی ایران. ژئوپلیتیک، ۱۴ (۴)، پیاپی ۵۲، ۱۲۹-۱۰۴. [dor:20.1001.1.17354331.139.104-129.52](https://doi.org/10.17354/331.139.104-129.52) 7.14.52.6.8
- عزتی، عزت‌الله و نبی‌الله رشتو (۱۳۸۶). رویکردهای ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۴ (۱۶)، ۶۴-۵۳. https://sarzamin.srbiau.ac.ir/article_5856.html
- علوی، سیدمحمدعلی و سیدجلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۵). بررسی روند امنیتی سازی فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا از منظر مکتب کپنهاگ. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۵ (۱۷)، ۵۹-۳۹. <https://doi.org/10.22054/qpps.2016.4347>
- فاکس، جانانان و شموئل سندلر (۱۳۹۰). دین در روابط بین‌الملل. ترجمه محمدحسن خانی، مشهد: حسینی و سمانه امیرنکویی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- فوزی، یحیی (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی گفتمان‌های اسلام سیاسی معاصر با گفتمان امام خمینی.

- در مجموعه مقالات برگزیده همایش گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی و جهان معاصر، تهران: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- قالیباف، محمدباقر و سید موسی پورموسوی (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه و سیاست خارجی ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۱(۴)، ۶۶-۵۳. https://jhgr.ut.ac.ir/article_19803.html
- قدسی، امیر. (۱۳۹۱). تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱(۱)، ۱۷۰-۱۵۳. [dor: 20.1001.1.23225645.1391.1.1.6.3](https://www.dor.org/doi/10.1001.1.23225645.1391.1.1.6.3)
- گلن، جروم سی و تودور نگوردن (۱۳۹۳). دانشنامه روش‌های آینده‌پژوهشی. ترجمه مریم کقیبادی، تهران: نشر سروش.
- متقی، افشین و مصیب قره‌بیگی (۱۳۹۴). چالش‌های گفتمان سیاست خارجی ایران در راستای دگرگشت‌های نوپدید در سامانه ژئوپلیتیکی جهانی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۲(۸)، ۱۳۷-۱۵۰. https://www.jmsp.ir/article_8469.html
- محمودی کیا، محمد (۱۳۹۸). سیاست خارجی خاورمیانه‌ای چین در پرتوی نظم نوین جهانی. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۳(۳)، ۱۰۷-۱۳۴. http://fp.ipisjournals.ir/article_id/38458.html
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۱). پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه. ژئوپلیتیک، ۸(۲۷)، ۳۵-۵۹. [dor:20.1001.1.17354331.1391.8.27.2.2](https://www.dor.org/doi/10.1001.1.17354331.1391.8.27.2.2)
- معروف، یحیی (۱۳۹۲). ویژگی‌های جغرافیایی قلمروهای شیعه‌نشین هلال شیعی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۳)، ۲۸۴-۲۶۹. <https://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1139-fa.html>
- موسوی شفائی، سید مسعود و مهدی شاپوری (۱۳۹۰). ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیک پرخطر ایران. مطالعات راهبردی، ۱۴(۴)، ۵۴-۱۹۲. [dor:20.1001.1.17350727.1390.14.4](https://www.dor.org/doi/10.1001.1.17350727.1390.14.4) 0.14.54.7.5
- نادری، احمد (۱۳۹۳). از ژئوپلیتیک دولت محور به ژئوکالچر تمدن محور؛ خاورمیانه عرصه نبرد تمدن‌ها. مطالعات قدرت نرم، ۴(۱۰)، ۱۴۳-۱۲۳. [dor:20.1001.1.23225580.1393.4.1](https://www.dor.org/doi/10.1001.1.23225580.1393.4.1) 0.6.3

- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی بی‌طرفی و روانشناسی انزواگرایی در تاریخ دیپلماسی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نیاکویی، سیدامیر؛ علی اسمعیلی و علی اصغر ستوده (۱۳۹۲). تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه. (۲۰۱۳-۲۰۱۱). فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۳ (۱)، ۱۱۹-۱۳۹.
[doi:10.20286/priw-0301119](https://doi.org/10.20286/priw-0301119)
- همتی، مرتضی؛ شهروز ابراهیمی و مهناز گودرزی (۱۳۹۹). سیاست موازنه‌سازی عربستان در برابر ایران در یمن. برنامه‌ریزی فضایی، ۱۰ (۱)، پیاپی ۳۶، ۱۲۲-۱۰۵.
[doi:10.22108/SPPL.2019.119020.1420](https://doi.org/10.22108/SPPL.2019.119020.1420)
- یزدان‌پناه، کیومرث و رضا دولتی (۱۴۰۰). نقش ژئوپلیتیک کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در امنیت منطقه‌ای مطالعه‌موردی: ایران و اعراب. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۳ (۱)، پیاپی ۱۱۵، ۲۸۲-۲۶۵.
[doi:10.22059/jhgr.2020.301651.1008111](https://doi.org/10.22059/jhgr.2020.301651.1008111)
- Ahmadi, S. A., Wathiq, M. & Jasmnejad, M. (2011). Shia geopolitics and the promotion of Iran's position in the Middle East after the Islamic Revolution. *Human Geography Research*, 44 (2), Serial 80, 65-84. <https://www.sid.ir/paper/139158/fa>
- Akhbari, M., Abdi, A. & Mokhtari, H. (2010). Iran's Geopolitical Position and America's Efforts to Consolidate Its Hegemony in the World. Case Study: Greater Middle East Project, *Human Geographic Research*, 43(1) 75, 87-112. https://jhgr.ut.ac.ir/article_24488.html
- Akhbari, M. & Ayazi M. H. (2006). The situation of the Middle East in the geopolitical structure of the third millennium. *Geopolitics*, 3 (3), 54-35. <https://www.sid.ir/paper/116040/fa>
- Alavi, S. M. A. (2016). Search the securitization of the nuclear activities of the Islamic Republic of Iran by the pro-Israel lobby in America from the perspective of the Copenhagen School. *Political Strategic Studies*, 5(17), 39-59. <https://doi.org/10.22054/qps.2016.4347>
- Akraminia, M. (2012). The foreign policy strategies of the Islamic Republic of Iran in achieving the goals of the 1404 perspective. *Strategic Studies Quar-*

- terly, 16 (2), 33-60. [dor: 20.1001.1.17350727.1392.16.60.2.6](https://doi.org/10.1001.1.17350727.1392.16.60.2.6).
- Asadi, A. A. (2013). Iran and America in Iraq: diversity of actions. *Foreign relations*, 6 (4), 127-156. [dor: 20.1001.1.20085419.1393.6.4.5.1](https://doi.org/10.1001.1.20085419.1393.6.4.5.1)
 - Bahrani, M., Hosseini, S. M. & Maleki, M. (2011). Opportunities for Iran to become a superior regional power. *Islamic World Political Research Quarterly*, 2 (1), 29-54. URL: <http://priw.ir/article-1-80-fa.html>
 - Bazargan, A. & Pourahmadi Meybodi, H. (2017). Iran (2011-2017). *Political and International Approaches*, 9 (3), Serial 53, 84-113. https://pijaj.sbu.ac.ir/article_99684.html
 - Creppell, I. (2011). The Concept of Normative Threat. *International Theory*, 3 (3).
 - Ezzati, E. & Reshno, N. (2006). Geopolitical approaches of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf, *The Geographical Quarterly of the Land*, 14 (16), 53-64. https://sarzamin.srbiau.ac.ir/article_5856.html
 - Fouzi, Y. (2015). Comparative study of contemporary political Islam discourses with Imam Khomeini's discourse. In *Collection of Selected Papers of Imam Khomeini's Political Islam Discourse Conference and the Contemporary World*, Tehran: Islamic Azad University Printing and Publishing Organization. [In Persian]
 - Fox, J. & Sandler, Sh. (2010). *Religion in international relations*. Translated by Mohammad Hasan Khani, Mashhad Hosseini and Samaneh Amirenkoui, Tehran: Imam Sadiq University. [In Persian]
 - Glenn, J. C. & Gorden, Th. (2014). *Futures research methodology*. translated by Maryam Keyqobadi, Tehran: Soroush Publishing. [In Persian]
 - Goldestin, J. (1999). *International Relations*. New York: London.
 - Hafeznia, M. R. , Ahmadipour, Z. & Boyeh, Ch. (2011). Explaining the factors influencing the formation of the geopolitical territories of the Islamic Republic of Iran. *Iranian Journal of International Politics*, 1 (1), 26-

49. <https://doi.org/10.22067/jipr.v1391i1.27016>

- Hemmati, M., Ebrahimi, Sh. & Gudarzi, M. (2019). Saudi Arabia's balancing policy against Iran in Yemen, *Spatial Planning*. 10 (1), Serial 36, 105-122. [doi:10.22108/SPPL.2019.119020.1420](https://doi.org/10.22108/SPPL.2019.119020.1420)
- Jafari, A. A. (2011). Explaining the factors and objectives of the strategic alliance between America and Israel in the Middle East region. *Geopolitics*, 8(26), 153-191. [dor: 20.1001.1.17354331.1391.8.26.6.4](https://doi.org/10.1001.1.17354331.1391.8.26.6.4)
- Jamshidi, M . (2013). Developments in the Middle East during Obama's era and the change of American strategy towards Iran. *Foreign relations*, 6 (3), 75-104. [dor: 20.1001.1.20085419.1393.6.3.3.7](https://doi.org/10.1001.1.20085419.1393.6.3.3.7)
- Javadani Moghadam, M. (2012). New geopolitics of Shiism in the Middle East and the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Geopolitics*, No. 26, 29-62. [dor: 20.1001.1.17354331.1391.8.26.2.0](https://doi.org/10.1001.1.17354331.1391.8.26.2.0)
- Khalili, R. (2016). Security and development; A geopolitical approach to development and balance in Iran. *Strategic studies*, 20 (4), Serial 78, 121-151. [dor: 20.1001.1.17350727.1396.20.78.5.3](https://doi.org/10.1001.1.17350727.1396.20.78.5.3)
- Marouf, Y. (2012). Geographical features of the Shiite territories of the Shiite Crescent. *Islamic Revolution Studies*, 10 (33), 269-284. <https://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1139-fa.html>
- Mahmoodikia, M. (2019). China's Middle East Foreign Policy in light of the New World Order. *Journal of Foreign Policy*, 33(3), 107-134. http://fp.ipisjournals.ir/article_38458.html
- Moslinejad, A . (2011). The consequences of security instability on the balance of power in the Middle East, *Geopolitics*. 8 (27), 35-59. [dor:20.1001.1.17354331.1391.8.27.2.2](https://doi.org/10.1001.1.17354331.1391.8.27.2.2)
- Motaghi, A. & Qarabeigi, M. (2014). The title is Challenges of Iran's foreign policy discourse in line with new changes in the global geopolitical system. *Strategic and Macro Policy Quarterly*, 2 (8), 137-150. https://www.jmsp.ir/article_8469.html

- Mousavi Shafai, S. M. & Shapouri, M. (2010). Dimensions and Implications of Geopolitics Dangerous Iran, *Strategic studies*. 14 (4), Serial 54, 163-192. [dor:20.1001.1.17350727.1390.14.54.7.5](https://doi.org/10.1001.1.17350727.1390.14.54.7.5)
- Naderi, A . (2014). From state-oriented geopolitics to civilization-oriented geoculture; The Middle East is the battleground of civilizations. *Soft Power Studies*, 4(10), 123-143. [dor:20.1001.1.23225580.1393.4.10.6.3](https://doi.org/10.1001.1.23225580.1393.4.10.6.3)
- Naqibzadeh, A. (2004). *Sociology of neutrality and psychology of isolationism in the history of Iranian diplomacy*. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. [In Persian]
- Niyakoei, S. A., Ismaili, A. & Sotoudeh, A. A. (2012). Explanation of Iran's security strategy regarding the Syrian crisis (2011-2013). *Islamic World Political Research Quarterly*, 3 (1), 119-139. [doi:10.20286/priw-0301119](https://doi.org/10.20286/priw-0301119)
- Omid, A. & Agha Mohammadi, Z. (2016). Syrian crisis based on the Crisis cube theory. *Foreign relations*, 9 (4), 63-102. [dor:20.1001.1.20085419.1396.9.4.3.0](https://doi.org/10.1001.1.20085419.1396.9.4.3.0)
- Qalibaf, M. B. & Pourmousavi, S. M. (2007). New geopolitics of the Middle East and Iran's foreign policy. *Human Geography Research*, 41(4), Serial 66, 53-69. https://jghr.ut.ac.ir/article_19803.html
- Qudsi, A. (2011). Geopolitical developments in the Middle East and conflicting strategies. *Islamic Awakening Studies bi-quarterly*, 1 (1), 153-170. [dor:20.1001.1.23225645.1391.1.1.6.3](https://doi.org/10.1001.1.23225645.1391.1.1.6.3)
- Rabiei, H . (2014). Explaining the geopolitical indicators of Iran's smart power in line with the new developments in the Middle East. *Islamic World Political Research Quarterly*, 4 (3), 112-89. <https://priw.ir/article-1-57-fa.html>
- Ruhi Dehboneh, M . (2017). Geopolitical analysis of the Iran-Turkey rivalry affected by the developments in the Middle East since 2011. *Geopolitics*, 14 (1), Serial 49, 113-147. [dor:20.1001.1.17354331.1397.14.49.5.1](https://doi.org/10.1001.1.17354331.1397.14.49.5.1)
- Saeed, B . (1999) *Fundamental fear*. translated by Gholamreza Jamshidiha

and Musa Anbari, Tehran: Tehran University Press. [In Persian]

- Salehi, S. J. & Sasaniyan, S. (2012). Investigating the changes in the order system affected by the developments in the Middle East with a focus on Shiite geopolitics in 2011. *Islamic World Political Research Quarterly*, 3 (2), 73-95.
- Samiei Esfahani, A. R. (2008) New geopolitics of the Middle East and the challenge of Iran and America, *Economic Political Information*, No. 264-263, 10-21.
- Sareeol-Qalam, M . (2015). The international system and the new geopolitics of the Middle East. *Journal of political science*, 12 (1), 139-101. [dor: 20.1001.1.1735790.1395.12.1.4.5](https://doi.org/10.1735790.1395.12.1.4.5)
- Shahbazi, S., Massoudnia, H. & Gudarzi, M. (2018). Impact of Iran-Turkey relations on the process of convergence in the Middle East. *Islamic World Political Research Quarterly*, 9 (1), 189-165. <https://priw.ir/article-1-888-fa.html>
- Talebi Arani, R. & Ahmadi Lefurki, B. (2017). Return to geopolitics: examining the evolution of European Union policies towards the Middle East and North Africa and its requirements for the Islamic Republic of Iran. *Geopolitics*, 14 (4), Serial 52, 104-129. [dor: 20.1001.1.17354331.1397.14.52.6.8](https://doi.org/10.17354331.1397.14.52.6.8)
- Yazdan Panah, K. & Davlati, R. (2021). The geopolitical role of the Middle East and North African countries in regional security, a case study: Iran and the Arabs. *Human Geography Research*, 53 (1), Serial 115, 265-282. [doi:10.22059/JHGR.2020.301651.1008111](https://doi.org/10.22059/JHGR.2020.301651.1008111)

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

